گفت‌وگوی «شرق» با شیرین احمدنیا، دانشیار جامعه‌شناسی دانشگاه علامه طباطبایی

تفاوت در صراحت زنان است

سامان موحدی‌راد: اعتراضاتی که پس از مرگ مهسا امینی در ایران آغاز شده وارد ماه سومش می‌شود. اعتراضاتی که چند ویژگی متفاوت نسبت به رویدادهای مشابه در سال‌های اخیر داشته است. یکی از مهم‌ترین هایش این است که زنان برای احقاق حقوقشان به میدان آمده‌اند. موضوع حق خواهی زنان در ایران به پاییز ۱۴۰۱ و آن اتفاق در ساختمان وزرا برنمی‌گردد. زنان در ایران سال‌هاست که برای رسیدن به حقوقشان تلاش می‌کنند. این تلاش شدت و ضعف‌ها، فراز و فرودهایی داشته ولی همیشگی بوده است. جریان تلاش زنان برای رسیدن به حقوقشان در چند سال اخیر بیشتر شده است و با فاصله گوناگونی بروز یافته است. به‌گونه‌ای که می‌توان گفت رکه‌هایی از آنچه را امروز در کشور جاری است می‌شد لابه‌لای اخبار و حوادث پنج سال گذشته دید. رویدادهای سه ماه اخیر ایران و بسیاری از ما تجربه نشده و جدید است. از جنس اعتراضات تا شیوه اداره آن و برخورد با آن. از همراهی مردان با زنان تا گستردگی آن در شهرهای کوچک و جوامع سنتی. همه اینها نهادهای ته تا ته دکتر شیرین احمدنیا درباره اعتراضات سه ماه اخیر ایران و نقش زنان در آن گفت‌وگو کرده‌اند. شیرین احمدنیا، دانشیار جامعه‌شناسی دانشگاه علامه طباطبایی و عضو هیئت‌مدیره ادوار انجمن جامعه‌شناسی ایران است. او همچنین عضو هیئت علمی آموزشی در دانشکده علوم اجتماعی علامه طباطبایی، عضو هیئت علمی پژوهشی گروه مطالعات زنان جوانان و کودکان ذیل پژوهشکده مطالعات و سیاست‌گذاری اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی هم هست.

◆ در سه ماه اخیر بارها دیدهام کـه چهره‌هایی به ویـژه چهره‌های منتقـد اعتراضات اخیر با پیش‌کشیدن مسائل و مشکلات اقتصادی این سؤال را از معترضان خیابان می‌پرسند که چرا برای مسئله اقتصادی اعتراض نمی‌کنید. کویی برای آنها این سؤال وجود دارد که جلودر درکشوری که پنج سال اخیر با بدترین شرایط اقتصادی‌اش دست‌وپنجه نرم می‌کند، اعتراضاتی با محوریت حقوق شهروندی رخ می‌دهد؟ اساسا می‌توان ترجیحی برای این دو قائل شد یا دو مقوله در نظر گرفت و گفت مسائل اقتصادی بر حقوق شهروندی یا حقوق زنان ارجحیت دارد؟

جامعه ایران سال‌هاست که با مسائل و فشارهای اقتصادی درگیر بوده است و در دهه‌های اخیر، بهانه یا مناسبت برای اینکه اعتراض به ابعاد اقتصادی مشکلات زندگـی در میان افراد مختلف جامعه شکل بگیرد، کم نبوده و نیست. ارجاع به بیازها و فشارهای اقتصادی، شاید دم‌دستی‌ترین توضیح و تبیین شکل‌گیری اعتراضات اخیر باشد، اما می‌دانیم که هویت انسانی، چندبعدی و عمیق است و تقلیل‌دادن علت عزم انسان‌ها برای تغییر شرایط خود تنها به یکی از ابعاد، چندان منطقی یا واقع‌بینانه به نظر نمی‌رسد. درباره موجودیت پیچیده انسانی، ارجاع صرفا به بعد اقتصادی، به‌عنوان خاستگاه اصلی امواج اعتراضی، به نظرم، توضیحی ساده‌انگارانه است. شکی نیست که یکی از ابعاد ناراضی های اخیر را بعد اقتصادی آن تشکیل می‌دهد اما حتی آنجا که اعتراض به ابعاد گسترده فقر و فساد اقتصادی، در مطالبات گروه‌های مختلف اجتماعی، در باب خیزش موجود به چهار عربی در کتاب پیش‌گفتـه، در فصلی با عنوان «مسائل دختران و پارادوکس جنسیتی» حضور جشمگیر زنانه (نزدیک به حدود ۷۰ درصد از کل تظاهرات‌کنندگان) را برای مثال از ابعاد کرامت انسانی و احساس عزت‌مندی نامی بریم که شاید خدشه‌دار شده تا جایی که موجودی به فقان درآمده است. در این صورت بلاخره، دیر یا زود، آن روز فرامی‌رسد که موجود رنجور بخواهد با صدای بلند اعلام کند برخلاف تصور، فهیم، بیدار و هوشیار است و متوجه احوالاتی که بر او می‌رفته است. این‌ها را وست که از مخاطبش طلب بیداری و هوشیاری می‌کند.

◆ اگر نگاهی تاریخی به مسـئله داشته باشیم، چه عوامل و پیش‌زمینه‌هایی موجب شد تا زنان در سال ۱۴۰۱ وارد به میدان بیایند؟

برای من جالب است که به‌میدان‌آمدن زنان در اعتراضات اخیر این همه حیرت یا غافلگیری برانگیخته؛ گویی اولین بار اسـت که زنـان ازجمله پیش‌قـراولان حرکت‌های اجتماعی نیستند. نمی‌توان گفت زنان تـازه‌وارد این عرصه‌ها بوده و هسـتند. اما شـاید کیفیت این حضور اخیر، با شعارهایی متفاوت‌تر، همراهی مردان با زنان و در مواردی با مرکزیت‌بخشـیدن به مطالبات زنان، شـرایط نوینی را پدیدار و نمایان کرده باشد که توجه و بازخوردهای متفاوتی را برانگیخته است.

عکس: سپیده تاکی، شرق

◆ همراهی مردان با زنان در رسیدن به حقوق‌شان یکی از چالش‌های همیشگی زنان در چند دهه اخیر بوده. اساسـا تا پیش از این، مردان مسـائل زنان را مرتبط به خود زنان می‌دانسـته و برای محقق شدن آن، گامی برنمی‌داشتند. به نظر می‌رسد این مسـئله شده است. شما چنین تصوری دارید؟ و مردان چگونه می‌توانند به زنان در رسیدن به حقوقشان کمک کنند؟

زنان نسـل جوان ایران زنانی هسـتند که هویت‌شـان را در زنان‌بودن و هنجارهای نوین که در جریان جهانی‌شدن شاهد سـیرقوتی یافته اسـت، متأثر شده اسـت. ازجمله عوامل مؤثر، می‌توان به توسـعه تکنولوژی نوین ارتباطات رسـانه‌ای و دسـترس‌پذیری فراگیـر شـبکه‌های اجتماعی اشـاره داشـت که موجب آگاهی و آشـنایی بیشـتر زنان با مسـیرهای متنوعی شـده که زنان در چرخه زندگی خود از راه‌های مختلف و متفاوتی به آن دسـت‌یافته‌اند. کمه اینها در کنار بهره‌وری فزاینده زنان از سـطوح بالاتر آمـوزش و تحصیلات به اقتضای شـرایط روز، به‌تدریج به «بازاندیشـی هویت جنسـیتی» رسـیده اسـت. بنا بر یافته‌های پژوهشـی انجام‌شـده‌اند، ایدئال‌ها و انتظارات نسـل‌های جدید زنان از خود، از الگوی زن محدودشـده و ایفای نقش‌های سـنتی بسـیار فراتر رفته اسـت. پذیرش نقش‌های چندگانه و حضور تدریجی زنان در سـپهر عمومی، با وجود همه هزینه‌هایی که در این مسیر متحمل شده و می‌شوند، به چالشی تبدیل شده که زنان از آن روی‌گردان نیسـتند. روند تغییرات در شـاخص‌های جمعیتی، مانند افزایش محسـوس سـن ازدواج زنـان، تغییرات در الگوهای جنسـیتی سـن همسـران، کاهش فاصله با خانواده‌های دارای تحصیلات بالا و... همگی حکایت از تغییرات عمده در نگاه زنان به هویت جنسـیتی خود و نقش‌های وابسـته دارد که برای خود تعریف شـده‌اند. ابعاد کیفی دیگری که به این شواهد می‌افزاید، افزایش نسـبی تجربه قطعی و افزایش نرخ طلاق و مشـکلات همسـری، کاهش شـکاف‌های نسـلی، تغییر در محتوای زندگی خانوادگی جدید یا بی‌سابقه که به‌تدریج در اجتماعات محلی مشاهده و همچنین، خوانده یا ناخوانده ـ مورد پذیرش قرار می‌گیرند.

به‌این‌ترتیب فکر می‌کنم مردان نسـل جدید از آنچه تا یا چنین زنان نسل‌های پیشین نیسـتند. ناگزیر از پذیرش شـرایط متفاوت زنانی هسـتند که قابل مقایسـه با زنان نسل‌های پیشین نیسـتند.

◆ برای من جالب اسـت که به میدان آمدن زنـان در اعتراضات اخیر این همه حیـرت یا غافلگیـری برانگیختـه؛ گویی اولین بار اسـت که زنـان ازجمله پیش‌قـراولان حرکت‌های اجتماعی نیسـتند. نمی‌توان گفت زنان تـازه‌وارد این عرصه‌ها بوده و هسـتند. اما شـاید کیفیت این حضور اخیر، با شعارهایی متفاوت‌تر، همراهی مردان با زنان و در مواردی با مرکزیت‌بخشـیدن به مطالبات زنان، شـرایط نوینی را پدیدار و نمایان کرده باشد که توجه و بازخوردهای متفاوتی را برانگیخته است.

آزادی‌خواهی مصر و تونس تکرار نشـود. درواقع، زنان ایرانی در همراهی‌شـان با مردان در جریان انقلاب چند دهه پیش خود، حضور بین بودند که مشـارکت انبوهشـان در امر دموکراسی‌خواهی بتواند متعاقب پیروزی جمعی و یا اسـتقرار حکومت جدید، در قالب حضور گسـترده زنان در عرصه قدرت، مورد شناسـایی قرار گیرد. آن‌چنان‌که تصور می‌رفت زنان به جایگاه‌های درخور مشـارکت اجتماعی سیاسی و اقتصادی مطابق با شایسـتگی‌ها و قابلیت‌هایشان دست نیافتند و نهایتا تفوق رویکردهای مردسـالارانه، زنان را به‌پوزه در عرصه عمومی (public sphere) کمابیش، به حاشیه راند و در عمل، با انواع محدودیت‌های جدید، غافلگیر شدند. شواهد این ناکامی را در شاخص‌های رسمی امروزی مشارکت سیاسی و اقتصادی زنان ایران می‌توان یافت. مثلا در نسبت پنج یا شش درصدی تصدی زنان بر کرسی‌های مجلس قانون‌گذاری، در عدم تصدی هیچ‌یک از وزارتخانه‌های فعلی یا مشارکت اقتصادی حداکثر ۱۵ یا ۱۶ درصدی زنان در نیروی انسانی و بازار کار رسمی کشور در دهه‌های اخیر که حتی با وضعیت زنان برخی از کشورهای همسایه نیز فاصله زیادی دارد.

به نظر می‌رسد کنشگران فعال زن در حرکات اعتراضی، یک هویت زنانه پیشرو و چندوجهی را نمایندگی می‌کنند و همین پوشش‌دادن به هویت‌های متکثر، امیدواری‌های زیادی را برای آینده برانگیخته است. امیدواری برای جریان همـه آرزوهای تحقق‌نیافته از جانب گروه‌های مختلفـی از زنان با خاستگاه‌های مختلف، جایگاه اقتصادی اجتماعی و حتی سنین مختلف، که کویی نمایندگان خود را در میان فعالان تحول‌خواه امروز می‌یابند. جالب اینجاسـت که برخلاف انتظار سنتی یا ذهنیت کلیشـه‌ای، مردان هم این حرکت پیشـرو‌انه زنان را پذیرفته و در نبکاه اول حتی این‌طور به نظر می‌رسـد که کویی این بار، مردان هسـتند که دنباله‌رو زنان شده یا به هر شکل با حضور فعال‌تر زنان در این عرصه و با شعارهای مطروحه زنان، نه‌تنها مشکلی ندارند بلکه حتی در مواردی، در پاسخ به مشـوق زنان بوده که پای به میدان گذاشته‌اند. مردانی که تا بیش از این در چارچوب تعاملات سنتی، در مقام افرادی ظاهر می‌شدند که زنان به آنها از همه نظر «وابسته» قلمداد می‌شدند. اینک حضور انسانی و مستقل زنان را دوشادوش خود، به رسمیت شناخته و در چارچوبی برابرگرایانه با مشارکت‌جویانه، با کروه‌های زنان از هر طیفی همصدایی و همراهی می‌کنند و به نظر می‌رسد با ذهنیت عدالت‌طلبانه و با هدف احقاق حقوق «انسانی» ـ که منافع زن و مرد را از هم جدا یا کی نمی‌داند ـ با زنان همراه شده‌اند. آرزوها و حسـرت‌های سرکوب‌شده خودشان بوده، بازتر بگذارند. شاید به نبانند اینجا اشاره‌ای هم داشـته باشم به تجربه کشورهای دیگری چه در غرب و چه در شـرق که ما شـاهد کمرنگ‌ترشدن تدریجی فاصله‌های جنسـیتی زنان و مردان بوده‌ایم؛ مثلا در هر دو مورد متهم پاسخ‌گوی سؤال بایرس رسیدگی‌کننده شدیم. اعتماد و ارفاق را باور یا باورها در فرق‌های مجازی بی‌دروپیکر دید و شنید و بودیم. اما در دست می‌گفت بایرسی مرکب که فضای مجازی اعتراض تمام عیار این افراد اعمال می‌کند. مجازی مهیاش مهم ها به تعریف قانونی مرجع رسـمی نیسـتند. آمار و ارقامی که از زنان مسئولان هم به همان نحو تثبت شـده و می‌شـود. مطابق با هم نیست. سردار حاجی‌زاده که جایگاه بزرگی در سلسـله‌مراتب نظامی دارد، در عدد بالای ۳۰۰ تلفن در خدمت کردند. اما دیگر مسـئولان از عدد ۲۰۰ نفر، همین تفاوت عددی را در نظر بگیریـد؛ آیا دکتر صادق زیباکلام با نگارنده مقاله در یک اتاق نشسـته‌اند و کنار هم برای آرامش صدنفری صحبت کرده‌اند؟ یا نه، هرکسـی در جایگاهی تعلق داشـته باشـد، اما در عالم واقع فقط برغصه‌ای است. صد خانواده شامل پدر و مادر و دختر و پسـر و فرزند و بستگان سببی و نسبی و دوستان از شمارش خارج می‌شود. از کشته‌شدگان می‌گذرم. به بازداشتی‌ها می‌رسـیم. چه تعداد بازداشـتی داریم. باید عدد بالا باشـد که قوه قضائیه خود را مسـئول تأمین آرامـش اعضای خانواده‌های بازداشـتی بداند و سـریعاتی به این جمعیت اختصاص بدهد. چرا نباید حداقل خانواده‌ها بدانند که عضوی از آنان که به حضور در خیابان دادند، شـروع به کار کرده‌اند. به چشم‌های نامجرمی که پشت زندان‌ها دیدار ظلمه می‌کردند تا بهانه رسانه‌های خبرسـانی و خبرده‌ی از حال و روز زندانی، خانواده‌ها را مطلع کنند. برای آنان جیب دوخته اسـت. چرا نباید سـیاه‌ها ۹۴ قانون اسـاسی دیگری برای پیروزی که مقرر می‌کند به محض آنکه متهم تحت نظر قرار گرفت، حداکثر ظرف یک سـاعت، مشـخصات سـجلی، شـغل، نشـانی و علت تحت نظر قرارگرفتن وی به هر طریق ممکن به دادسـرای محل اعلام می‌شود. «دادسـتان هر شهرستان یا حریم مشخصات مزبور در دفترخصوص وارثانه یا رعایت مقررات ابراز بایرسی مرکزیه که فضای مجازی اسـت. خوب آنجا هم باید ابتدا (در گذشـته‌های نه‌چندان دور) خیلی دور از انتظار به نظر می‌رسید که زنان هم مثلـه با مردان، به صحنه فعالیت‌های اقتصادی و سیاسی بیایند و به خواسـت‌ها و نیازهای زنـان از هر طیفی همصدایی و همراهی می‌کنند و به نظر می‌رسد با ذهنیت عدالت‌طلبانه و با هدف احقاق حقوق «انسانی» ـ که منافع زن و مرد را از هم جدا یا کی نمی‌داند ـ با زنان همراه شده‌اند. آرزوها و حسـرت‌های سرکوب‌شده خودشان بوده، بازتر بگذارند. شاید به نبانند اینجا اشاره‌ای هم داشـته باشم به تجربه کشورهای دیگری چه در غرب و چه در شـرق که ما شـاهد کمرنگ‌ترشدن تدریجی فاصله‌های جنسـیتی زنان و مردان بوده‌ایم؛ مثلا در هر دو مورد متهم پاسخ‌گوی سؤال بایرس رسیدگی‌کننده شدیم. اعتماد و ارفاق را باور یا باورها در فرق‌های مجازی بی‌دروپیکر دید و شنید و بودیم. اما در دست می‌گفت بایرسی مرکب که فضای مجازی اعتراض تمام عیار این افراد اعمال می‌کند. مجازی مهیاش مهم ها به تعریف قانونی مرجع رسـمی نیسـتند. آمار و ارقامی که از زنان مسئولان هم به همان نحو تثبت شـده و می‌شـود. مطابق با هم نیسـت. سردار حاجی‌زاده که جایگاه بزرگی در سلسـله‌مراتب نظامی دارد، در عدد بالای ۳۰۰ تلفن در خدمت کردند. اما دیگر مسـئولان از عدد ۲۰۰ نفر، همین تفاوت عددی را در نظر بگیریـد؛ آیا دکتر صادق زیباکلام با نگارنده مقاله در یک اتاق نشسـته‌اند و کنار هم برای آرامش صدنفری صحبت کرده‌اند؟ یا نه، هرکسـی در جایگاهی تعلق داشـته باشـد، اما در عالم واقع فقط برغصه‌ای است. صد خانواده شامل پدر و مادر و دختر و پسـر و فرزند و بستگان سببی

◆ بسیاری می‌گویند زندگی در ایران یک‌بـه‌یک قبل ازاتفاقات ۸۰ روز اخیر برنمی‌گردد. اشاره آنها بیشتر به کیفیت زندگی زنان در ایران است. این اما را چگونه بررسی می‌کنید و آیا به‌کلسـته زندگی زنان در ایران در اعتراضات سال ۱۴۰۱ این نقطه سقف را بایت سر گذاشته است؟

یک فرق می‌کند با یک نقطه عطف که همراهی همه‌جانبه و ترتیبی که خواناخواه، دیگر برای نه تو در بایج جنبش زنان وق خورده اسـت. زنان، اشکالی جدید از کنشـگری فعال و مبتکرانه را در ماه‌های اخیر از خود بروز داده‌اند که همراهی‌ها و باز‌خوردهای مثبتی به بار آورده اسـت و در نتیجه، اعتمادبه‌نفس‌شان برای پیگیری خواسـته‌های خود و اهتمام بیشـتر در مسـیر نوینی که برگزیده‌اند، افزوده اسـت.

برخی دربازه شـعار غالب زنانه این جنبش، دچار نوعی سوءبرداشـت شدند. به این ترتیب که در آن واجی پیام «زنانگی» از جنس کلیشـه‌های شـکننده و اسـیب‌پذیری چنین ضعیف تلقی می‌شـد که ترجمه آن برای بسـیاری از ما برای این می‌شـود و حتی بیانه به این ترکیب از مستلزم برانگیختگی غیرمتـادیه و بروز رفتارهای «حمایت‌گرانه» تلقی کردند؛ درحالی که هدف زنان این جنبش نو رو به افزایش بوده اسـت و ساده‌انگارانه تصور شده عامل اقتصادی است که جوانان را از ازدواج رویگردان کرده و علل فرهنگی، سـبک زندگی یا معیارهـای دوگانه (double standard) در درون و بیرون از خانه و بسـیاری از مشـکلات روزمره جوانان، نادیده گرفته شـده فقط چون ایـن موارد به مذاق برخی خوش نمی‌آمده اسـت. تا جایی که می‌دانم بسـیاری از پژوهش‌های حوزه مطالعات جوانان روندهای تغییرات ارزشـی و سـابق جوانان را در معرض دید مسئولان گذاشـته‌اند اما پژوهش‌ها معمولا مبنای تصمیم‌گیری‌ها قرار نگرفته و نمی‌گیرد. اساسـا به نظر نمی‌رسـد سیاسـت‌گذاری‌ها و اقدامات، مبتنی بر یافته‌های پژوهشـی و واقعیت‌های کف جامعه باشـد؛ چون اگر چنین بود، این مسائل فاقدگیری گسـترده نسـبت به وقایع امروز ما شاهد نبودیم. شکاف‌های حرکت جنبش نسـبت و دوراقع معنا در جامعه علمای اجتماعی و اقتصاد است. اما راهی به کوش و چشـم مسـئولان نیافته‌اند. در این شرایط است که آمارهای مهاجرت بالای جوانان (به قصد کار یا تحصیل) می‌تواند به‌عنوان یک شاخص در این‌باره به‌کار آید. نشان از تعداد زیاد بازداشتی‌ها داشت. باز هم نمی‌دانم چه تعداد بازداشتی هزار است و اگر به ابعاد و ارقام کنالها و شبکه‌های مجازی اشاره کنم، متهم به دروغگویی می‌شوم و به گفته رئیس محترم قوه قضائیه اگر تو تولم درستی اعداد را ثابت کنم، دروغگویی‌ها در دستگاه قضائی ثابت شده و باید منتظر دریافت قاطع باشم. حال راحل چیست؟ راحل آن اسـت که رئیس محترم قوه قضائیه رویکـرد تعاملی و مصلحانه را در دستور کار قرار دهد که کام اول گفت‌وگو» اسـت. وقتی در دیدار قضایی در مجلس بعضی نمایندگان از دیدار رئیس قـوه با مهندس بهزاد نبوی، جـواد امام، الیاس حضرتی، محمود صادقی و حسین عرعـرشـی انتقاد کردند، عده‌ای که در گذشته‌های نه‌چندان دور وزیر و معاون وزیر کشـور بودند، کسـی نبود نگوید نمایندگان را از جایگاه قانع بود. گفت: «ما حق داشتیم عصبی شویم و سخنان ما را هم بشنوند که اگر حرف منطقی و درستی دارید، می‌توانید بیایید و صحبت می‌کنیم و به مطالب آنها گوش می‌دهیم و مساعدت لازم را در این خصوص به عمـل آورند و مهم‌تر اینکه در ماده ۲۸ همین قانون به متهم حق داده اسـت که با شـروع تحت نظر قرارگرفتن، بتواند تقاضای حضور وکیل کند». هرچند این ماده و یا که وجوه به‌ریست نیسـت ذیل این بندهای وکالی مورد وثوق قوه قضائیه که باید سـاواسـتفاده و رانت در پناه قرار گیرد. این ماده نیز باید در کنار ماده ۲۸ فراهم کرده باشد. اما همین نیسـت باعث بعضا بایرسی خبرسـانی و خبرده‌ی از حال و روز زندانی، خانواده‌ها را مطلع نمی‌کردند یا تهانه رسانه‌های